

## دست دادن به ملت با دست شسته



کامبیز نوروزی

کارشناس حقوق و رسانه

چندسالی است که مسئله ضرورت انسجام و اتحاد ملی از دغدغه‌های طیف‌های متنوع سیاسی و فعالان راست‌کردار و صدیق کشور از جناح‌های مختلف است. جنگ تجاوزکارانه اسرائیل علیه ایران این بحث را داغ‌تر و ضروری‌تر و فوری‌تر کرده است. گروهی اقلیت اصولاً منکر آن هستند که در بین مردم و رابطه آنها با نظام سیاسی شفافی و دوگانگی رخ داده است. این جریان در رفتار و برنامه‌های سیاسی خود اهمیت چندانی به مردم نمی‌دهند و ملت را مردمانی می‌بینند که مکلف به تبعیت اندو مملاک مشروعیت نیستند. اما جریان‌ها و فعالان دیگری، که به نظر می‌رسد اکثریت بزرگی از طیف‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب و سایر نخله‌های سیاسی را دربر می‌گیرد معتقد به این شقاق و دوگانگی اند و بقا و توسعه آن را برای کشور و نظام سیاسی زاینبار و چه بسا مهلک می‌دانند. در جست‌وجوی راه‌های ایجاد همگرایی ملی و هم‌نوایی ملت و نظام سیاسی اند و با شرایط حاصل از تجاوز اسرائیل و آمریکا به ایران آن را ضرورتی فوری می‌دانند. بیشتر نگاه‌ها به این سو گرایش دارد که باید میان نخبه‌های سیاسی و فکری کشور توافقاتی صورت بگیرد تا با کاهش اختلاف بین جریان‌های سیاسی، به عنوان گروه واسطه، مردم نیز بتوانند مسیری برای نزدیکی بیشتر پیدا کنند. به‌طور خلاصه این تفکر به دنبال «ایجاد» همگرایی و هم‌نوایی ملی و کاهش شکاف بین نظام سیاسی و مردم از طریق گفت‌وگوی نخبگانی است. این گفت‌وگوی عمومی خوب است ولی به دلیلی که گفته خواهد شد چاره‌ساز نیست. وقتی کسی بیمار می‌شود یعنی چیزی بر او عارض شده که تعادل بدن را مختل کرده است. پرتشک با معاینات و آزمایش‌های متعدد اول علتی را که عارض و سبب بیماری شده کشف می‌کند سپس با شناخت علت و هدف گرفتن آن کار درمان را انجام می‌دهد. چه چیزی بر ملت عارض شده است که موجب واگرایی درونی و شکاف دولت-ملت شده است؟ یک «ملت» در عین تنوعات مختلف فکری و قومی و اقلیمی و فرهنگی و دینی و مذهبی و سیاسی، براساس اتفاق و یگانگی و وحدت شکل می‌گیرد. مفهوم ملت به دلالت مطابقی بیانگر وحدت و اتفاق و هم‌نوایی در عین انواع تنوع‌هاست. دال مرکزی «ملت ایران» مثل هر ملت دیگری وجود همین یگانگی و وحدت و هویت مشترک است. اصل بر این است که ملت ایران با شناسایی همه تنوع‌ها دارای هویت مشترک و وحدت و همسویی و همگرایی با خود و هم‌نوایی با نظام سیاسی است. در نتیجه اگر مشاهده یا احساس شد که این اتحاد درونی وجود

ندارد یا کاهش یافته است و رابطه ملت با نظام سیاسی کم و بیش مبتلا به واگرایی شده است باید نخستین پرسش این باشد که چه عواملی عارض شده‌اند که آن اتحاد و هم‌نوایی را دچار اختلال کرده‌اند؟

با این فرض که انسجام و همگرایی ملی در ایران دچار اختلال شده و شکاف دولت-ملت در حال افزایش است، پرسش نباید این باشد که راه‌های ایجاد انسجام ملی و همگرایی چیستند؟ اگر اینها نبودند که ملت ایران در یک تاریخ طولانی شکل نمی‌گرفت و دوام نمی‌یافت. پرسش بهتر این است که چه عواملی بر ملت و رفتار نظام سیاسی عارض شده است که موجب اختلال در اتحاد ملی و همگرایی درونی ملت و همسویی نسبی اش با نظام سیاسی شده است؟ این پرسش پاسخ ایجابی ندارد. لازم نیست چیزی ایجاد شود. بلکه پاسخ سلبی است. یعنی باید چیز یا چیزهایی که عارض و موجب اختلال شده‌اند هدف‌گیری شوند. مثل همان تومور سرطانی که عارض شده و پزشک آن را هدف می‌گیرد تا عامل مختل کننده سلامت بیمار را از میان بردارد. مردم در عین داشتن آرمان‌های بلند، چیز زیادی نمی‌خواهند. ملت احترام واقعی می‌خواهد؛ نمی‌خواهد هر روز نگران این باشد که زانش به خاطر پوشش در معرض توهین و تهدید و اجبار باشند؛ نمی‌خواهد نگران سلبه جنگ باشد و بترسد از عواقب کار کسانی که راه جنگ را هموار می‌کنند؛ می‌خواهد تلویزیونی داشته باشد که در آن همه ملت با همه تنوعش حضور داشته باشند نه تلویزیونی در آنحصار مطلق یک جریان اقلیت کوچک که اکثریت بسیار بزرگ ملت از آن غایبند؛ نمی‌خواهد برای دستیابی به اطلاعات مجبور به خرید فیلترشکن باشد برای دور زدن فیلترینگ؛ نمی‌خواهد جوان دانشجوی یا غیر دانشجویش بخاطر دو کلمه حرف در شبکه‌های اجتماعی از آزادی یا ادامه تحصیل ممنوع شود یا نخبگانی از ملت فقط بخاطر عقاید و آرایشان هم‌مان پشت میله‌ها شوند.

به نظر می‌رسد ملت همین چیزهای ساده را می‌خواهد و از اودیغ می‌کند. چیزهای دیگر هم هستند، مثل اوضاع وخیم و کم‌رشدن اقتصادی که چاره‌اش در کوتاه‌مدت ممکن نیست. اما آنها که برشمرده شد به فوریت قابل انجام است. فقط نیازمند اراده‌ای معطوف به عمل و تعهد به ایران و تمام ملت است. سلب همین حقوق ساده همان عارضه‌ای است که اندام فروموند ملت را آلوده و بیمار ساخته است. منشأ این آلودگی‌ها باید هدف‌گیری شود. جریان‌ها و کسانی که از راه‌های غیرقانونی و حتی غیراخلاقی چندسالی است ملت را مبتلا کرده‌اند باید مکلف به قانون و اصول ملی شوند و از ادامه رفتارهای غیرقانونی آنها ممانعت شود. برای دیدن ملت باید به قول سهراب چشم‌ها را شست. برای دست دادن به ملت هم دست‌ها را باید شست از آلودگی. این آن چیزی است که همه جریان‌های سیاسی کشور از هر جناح باید به نظام سیاسی توجه دهند.

## سیاست به مثابه تسبیح ام‌البین

شهریار مشعشعی

روزنامه‌نگار و فعال رسانه

بعد از جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، آمریکا و سایر هم‌پیمانان پنهان آنها، صحبت از همبستگی و اتحاد میان ایرانیان از سوی صاحبان افکار، مدعیان دلسوز و ظاهر دلسوز، چنان در گرفته که بر سر آن گاه در رسانه ملی دعوا و ستیز نیز در گرفته می‌گیرد. واقع امر این است که نه فقط ایران که هر کشوری در جهان برای موفقیت و سر بلندی در عرصه داخلی و خارجی نیازمند اتحاد و همدلی بر سر مسائل اولیه و روشن شهروندی تا سایر موارد مرتبط میان نظام مستقر و نظام جهانی است که این سال‌ها باید هر آن و هر لحظه آنها را رصد کرده و بعد از تحلیلی جامع و متناسب با منافع ملی به فوریت تصمیمات اتخاذشده را جامه عمل بپوشاند. در همه سال‌های پس از انقلاب خاصه از اواسط دهه هفتاد، ایران بارها روزها و شب‌هایی را پشت سر نهاده که در آن آنچه بیشتر از هر چیز دیگر نمایان و آشکار بوده حس همبستگی و اتحاد می‌همی در حدی قابل قبول بوده که به دلیل مقطع قابل‌پیش‌بینی بعدی، آن غالب با احساسی قالب‌شده و ربه نباهی نهاده و به همین ترتیب، ترتیب‌ها بوده که فرورخته و مردم و حاکمان را به لحظه‌ای رسانده که باید جشن همبستگی و اتحاد امروز خود را به یکباره دیگر این‌بار در میان آتش و دود و خون با برگ عز و ماتم کناره‌ای بگیرند و لب بزنند. یکی از دلایل بسیار مهم این جشن سپید و سیاه این است که سیاست و اجرای آن در ایران به گواه مخالف و موافق منصف، نه عین دیانت‌ماست و نه عین سیاست‌ما. در این سال‌ها سیاست در ایران، هر آنچه

بخواهد و نخواهد را به خود دیده، غیر از ثبات، غیر از یکبار برای همیشه با مردم تکلیف را روشن کردن، یکی به نعل یکی به میخ نزن... به تناسب ایام محرم و ذکر بزرگان دین، به گمانم در این راه، حاکمیت از سیاستی که نام‌اش را سیاست «تسبیح ام‌البین» نهاده‌ام، اگر وامی بگیرد و به کاری بیند؛ هیچ‌گونه ضرری را متوجه خود و مردم نخواهد کرد. چنان که در همه روزهای سخت و آسان، این آیین انسانی می‌تواند راهگشا و اطمینان‌بخش خاص او گردد. می‌گویند حتی اگر فقط گفته باشند- حضرت ام‌البین مادر بزرگوار حضرت عباس (ع) عادتی نیکو داشتند که دانه‌های باقیمانده از تسبیح‌های پاره‌شده را جمع می‌کردند و آنها را کنار هم قرار می‌دادند و برای خود تسبیحی دیگر شده و رنگارنگ می‌ساختند. آنچه که امروز دستان بسیاری با شکل بازساخته آن آشناست. اما نخ تسبیح رنگین و متنوع کشور نازنین ایران سال‌هاست که پاره شده و نیازمند آن است که دانه‌های آن را دوباره جمع کرد و در کنار هم قرار داد. نه چنان که دوباره آنها را از هم جدا کرد و به هم پیوست و باز هم... ایران متکثر با اقوام و فرهنگ‌های متفاوت که دل در گرو قوم خود اما در قلب ایران دارند، بی‌گمان لایق پراکندن و پراکندگی نیستند. ایران با سابقه و فعالیت‌نیم‌پند احزاب و طیف‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، هنری، اقتصادی و... نیازمند ناخن نظام مستقر برای پلی شدن میان مردم و قدرت‌اند. مردمی در قدرت، مردمی با قدرت. و ایران و رسانه‌هایی که همیشه تاریخ معاصر در سایه امنیت و ترس در سایه مانده‌اند و آرام آرام محوشده‌اند؛ فقدان آزادی حتی با درجه‌ای ثابت اما ثابت! نباید به مردم نگاهی کمتر از دانه‌های تسبیح مذکور داشت. آنها را باید با احترام جمع کرد و نظام سیاسی نیز از این کنار هم بودن و با هم بودن لذت ببرد. به رنگ‌های متفاوت و زیبایی آن نگاه کند و با آن به ذکر خداوند و نشانه و خلقت اعظم او «انسان» به گواه آید و در عمل حتی شهید این شاهد مشهود شود که در خانه اگر کس است، یک حرف بس است.

این‌گونه موارد جدی‌تر وارد عمل شوند یا منتظر می‌مانند تا تندروها دامن ایران را به درگیری آلوده کنند؟ در جنگ اخیر، مردم بحق دشمن خارجی را مصداق اقدام غیرقانونی و متجاوزانه دانستند و در برابرش واکنش منفی نشان دادند؛ اما اکنون جریانی تندرو و بی‌مسئولیت با چنین گفتارها و رفتارهایی عملاً کاری می‌کند که اقدام تجاوزکارانه احتمالی بعدی آنها علیه ایران به عنوان «حمله پیشدستانه» توجیه پیدا کند. امیدواریم که این مواضع به دلیل ناآگاهی و جهل و خودشیفتگی باشد؛ در غیر این صورت، چیزی جز نفوذ و خیانت علیه کشور نیست.

# تشدید ابهامات یک ماه پس از حمله ۲۳ خرداد

## بررسی گزارش‌ها درباره حمله به جلسه شورای عالی امنیت ملی و طرح احتمال نقش نفوذی‌ها



محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

امروز ۲۳ تیر است. دقیقاً یک ماه از حمله اسرائیل در بامداد ۲۳ خرداد می‌گذرد و آنچه از عمق نفوذ اسرائیل در جریان جنگ ۱۲ روزه دیدیم، با آنچه تحلیلگران، فعالان سیاسی و حتی برخی مقامات مسئول در اظهاراتشان ارائه می‌کنند، تفاوت زیادی دارد. گفته‌هایی که مشخص نیست به چه دلیل مطرح می‌شود. حمله‌ای که ۲۶ خرداد به محل برگزاری جلسه شمام انجام شد، شکاف میان واقعیت‌های میدانی و تحلیل‌های مذکور را بیشتر نشان می‌دهد. روز، ساعت، مکان و نقاط لازم برای تکرار کردن مسیرهای فرار چطور در اختیار اسرائیل قرار گرفته بود؟ در خصوص این حمله، با ناگام بودن اسرائیل از طریق حمله به محل یا در زمانی اشتباه مواجه نیستیم. با موفقیت سران قوا و مسئولین کشور برای خروج از محل مورد اصابت، پس از حمله اسرائیل مواجه هستیم. یعنی دشمن محل درست را در زمان درست هدف قرار داد اما به هدف خود نرسید. چراکه اطلاعات دقیقی در اختیار داشت.

### گزارش دور رسانه خاص

تاکنون دور رسانه خاص جزئیاتی از این حمله را منتشر کردند که تا زمان تنظیم این گزارش، تأیید یا تکذیب نشده است اما با روایت‌های پراکنده مطرح‌شده در این خصوص، تطابق دارد. ابتدا خبرگزاری فارس، شامگاه شنبه این گزارش را منتشر کرد: «پیش از ظهر روز دوشنبه ۲۶ خرداد، در حالی که جلسه شورای عالی امنیت ملی با حضور رؤسای سه قوه و دیگر مقامات ارشد در طبقات زیرین یک ساختمان در غرب تهران در حال برگزاری بود، حمله آغاز شد. مدل این حمله مشابه عملیات ترور شهید سیدحسن نصرالله طراحی شده بود. مهاجمان با شلیک شش بمب یا موشک، ورودی‌ها و خروجی‌های ساختمان را هدف قرار دادند تا مسیرهای فرار را مسدود و جریان هوا را قطع کنند. پس از انفجارها، برق طبقه قطع می‌شود، اما مسئولان با استفاده از یک دریچه اضطراری که از قبل پیش‌بینی شده بود، خود را به بیرون از ساختمان رساندند. برخی از مسئولان از جمله رئیس‌جمهور در حین خروج دچار جراحات مختصری در ناحیه پا شدند.

## ناصر ایمانی روزنامه‌نگار و تحلیلگر سیاسی اصولگرا:

# حمله به دولت خیانت است

عادی باید این نکته را تا این دندان باور کنیم که در شرایط جنگی هستیم. معتقد خیلی‌ها هنوز این موضوع را حس نکرده‌اند که ما در یک جنگ تمام‌عیار هستیم. شاید الان این جنگ ساکت شده باشد و حتی تا چند سال در همین شرایط بمانیم و درگیری نظامی رخ ندهد، ولی در جنگم، باید تمام ساختارها را پدافند غیرعامل تا افکار عمومی را از نگاه شرایط جنگی ببینیم. در این شرایط حتی با کسانی که از روی جهل اقداماتی انجام می‌دهند هم باید برخورد جدی صورت بگیرد. شاید چند سال این شرایط طول بکشد و کشور باید در حالت جنگی باقی بماند. دولت، مجلس، دستگاه‌های اطلاعاتی و به خصوص مردم باید به این موضوع توجه داشته باشند. باید صادقانه با مردم مطرح کنیم که با چه دشمنانی روبه‌رو هستیم. اگر تا قبل از جنگ ۱۲ روزه می‌گفتیم دشمن چنین و چنان است، بعد از این جنگ می‌دانیم با چه چیزی روبه‌رو شدیم. مردم باید کاملاً هوشیار باشند و فریب برخی از رسانه‌ها را نخورند، اسیر فضای مجازی نشوند، اخبار را از منابع درست پیگیری کنند و با دستگاه‌های متولی امر امنیت نیز برای شناسایی جاسوسان و نفوذی‌ها همراه باشند. همه دستگاه‌ها در سطوح مختلف باید کشور را از دریچه شرایط جنگی نگاه کنند. اگر این کار را نکنیم و تاب‌آوری اجتماعی را بالا ببریم، از این دوران به سلامت خارج خواهیم شد. اگر نه، این داستان ادامه‌پیدامی‌کند.

این تحلیلگر سیاسی درباره علت عدم اعلام رسمی جزئیات این حمله نیز اظهار داشت: «آقای رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با خبرنگار آمریکایی به این موضوع اشاره کردند. برخی دیگر از مسئولین و چهره‌ها نیز به این موضوع تا حدودی پرداختند. صرف‌نظر از اخباری که ممکن است من و شما هم در اختیار داشته باشیم، تا زمانی که اعلام رسمی در این مورد صورت بگیرد، نباید منتشر کنیم. اینکه جلسه‌ای در شورای عالی امنیت ملی برگزار شد، اسرائیل به چه نحوی حمله کرد و چه شد که مسئولان کشور توانستند به سلامتی از آنجا خارج شوند، باید از سوی مراجع رسمی اعلام شود. تا این اتفاق نیفتد، به دلیل شرایطی که گفتیم، باید در همین حد اظهارات افسرادی مثل آقای پرتشکان و لاریجانی باقی بماند. نباید از این حد جلوتر برویم تا زمان آن برسد یا شرایط برای این کار فراهم شود.»



با توجه به دقت اطلاعاتی که دشمن برای این حمله داشته، احتمال وجود عامل نفوذی در حال بررسی است. این موضوع نشان می‌دهد که دشمن از هر ابزار ممکن، حتی ترور مقامات عالی‌رتبه، برای ضربه زدن به امنیت ملی ایران استفاده می‌کند.»

سایت نوزنیوز نزدیک به علی شمخانی نیز در گزارشی به بررسی این حمله پرداخت که بعضی بخش‌های آن جالب توجه است. در بخشی از گزارش می‌خوانیم: «مطابق گزارش‌های اولیه، دشمن با استفاده از چندین پرتابه انفجاری و با هدف قطع مسیرهای فرار، اقدام به شلیک به اطراف ساختمان کرده است. به‌رغم آنکه مسیرهای اضطراری برای خروج پیش‌بینی شده بود، رئیس‌جمهور در جریان تخلیه دچار جراحات سطحی شد و برخی دیگر از اعضا نیز با مشکلات تنفسی خفیف روبه‌رو شدند. این نشان می‌دهد که مهاجمان به‌طور خاص به سازوکارهای خروج اضطراری نیز آگاه بوده‌اند.» نوزنیوز سپس این سؤال را مطرح کرد که «آیا چگونگی تعیین زمان دقیق جلسه، محل برگزاری، تعداد خروجی‌ها و حتی دریچه اضطراری، بدون وجود عامل نفوذی» در سطح میانی امکان‌پذیر است؟» این سایت همچنین نوشت که تحقیقات از سوی نهادهای امنیتی در این حوزه ادامه دارد. با توجه به عمق ضربه‌های رژیم اسرائیل، موضوع نفوذ عوامل انسانی در لایه‌های مختلف به صورت جدی مد نظر قرار گرفته است.

### عمق اشراف اطلاعاتی

تا چندی پیش تصور این بود که موج اول ترورهای اسرائیل در روز ۲۳ خرداد عمق اشراف اطلاعاتی آن‌ها بر حوزه خودی را نشان می‌دهد تا اینکه با موضوع حمله روز ۲۶ خرداد به محل برگزاری جلسه شورایی امنیت ملی برخورد کردیم؛ موضوعی که ابتدا شبیه یک داد‌عابد اما به مرور جزئیاتی درباره آن منتشر شد. اولین بار وحید جلیلی، قائم‌مقام سازمان صداوسیما در یک برنامه تلویزیونی گفت محل حضور سران قوا، ذقایی قبل از حمله اسرائیل به ساختمان شیشه‌ای صداوسیما هدف حمله قرار گرفت. سپس علی لاریجانی، مشاور مقام‌رهبری و محسن رضایی، دبیر پیشین مجمع تشخیص مصلحت نظام درباره این موضوع صحبت کردند. مسعود پرتشکان، رئیس‌جمهور کشورمان نیز نخستین‌بار در گفت‌وگویی که با تاکر کارلسون، مجری و خبرنگار آمریکایی داشت، موضوع تلاش اسرائیل برای ترور سران کشور در یک جلسه را مطرح کرد.